جوانان ما، فوتبال و سال 1385

تورج عاطف

در آرزوی مکانی در آفتاب برای پسران آریایی

با سلام خدمت دوستان عزیز

تیم ملی فوتبال ایران محبوب هفتاد میلیون ایرانی داخل و میلیون‏ها وطن‏پرست دور از ایران است،تیم ملی فوتبال ما شاید عجیب‏ترین تیم‏ حاضر در جام جهانی باشد.ملی پوشان ما در بین 32 تیم منتخب در جام‏ جهانی تنها تیمی هستند که صعود خون‏باری به جام جهانی داشته‏اند. درست در 5 فوریه 1384 بود که پسران آریایی در یک بازی فراموش‏ نشدنی مردان سرزمین آفتاب بعنی تیم ملی ژاپن را در ورزشگاه بزرگ‏ پایتخت سایه‏نشین کردند تا به نوعی مسیر صعود به جام جهانی را به‏ نیمه برسانند.اما در آن روز شاد 7 خانواده‏ی ایرانی داغدار شدند.هفت‏ عاشق فوتبال و ایران در ورزشگاه جان خود ار زیر ازدحام جمعیت از دست‏ دادند تا این روز شاد ما پاین غم‏انگیز نه در میدان ورزشی که در حاشیه‏ی‏ آن داشته باشد.فوتبال ایران تنها تیمی در بین 32 تیم حاضر در جام جهانی است که عشق به آن عده‏ایی از دختران جسورش را مجبور می‏کند که در جلوی ماشین پلیس اعزامی به ورزشگاه بنشینند تا به آن‏ها اجازه‏ی ورود بهورزشگاه و حضور در جشن صعود در بازی برگشت در برابر بحرین بدهند.تیم ملی ایران تنها تیم در بین 32 کشور حاضر در جام جهانی‏ست که نمی‏تواند بازی تدارکاتی در برابر حریفان داشته باشد و هیچ کس نمی‏داند که اینعدم بازی تدارکاتی ارتباط با مسائل و باج خواهی سیاسی و یا بی‏برنامگی همواره تکرار شده و یا خواب سنگین‏ فدراسیون و مدیرانش دارد.شاید تیم ملی ایران تنها تیم در بین 32 تیم‏ حضار در جام جهانی نباشد که مجبور است بازیکنان تحمیلی با خود به‏ جام جهانی ببرد،ولی به‏طور حتم رکورددار در بین آن‏هاست که این تعداد کثیر بازکنان تحمیلی دارد.از یک کاپیتان 37 ساله کند که برای رسیدن‏ به وضعیت مطلوب حد اقل باید 20 کیلو از وزن خود کم کند،گرفته تا یک‏ مدافع پراشتباه و ناآماده نظیر یحیی گل محمدی تا استفاده از بازیکنان‏ ناآماده‏ی دیگر نظیر میرزاپور،زارع،نکونام و نویدکیا و علوی....شاید تمی ملی،تنها تنیمی باشد که حاضر باشد شماری از بهترین‏های فوتبال‏ این مرز و بوم را به دلایل واهی به به جام جهانی نبرد بازیکنانی نظیر مهدی پاشازاده که در آدمیر و اگر اتریش به خاطر درخشش فوق العاده‏اش‏ یک پورشه جایزه می‏گیرد یا ایمنا مبعلی که در امارات یک فوق ستاره و یک رهبر خط میانی‏ست تا علی سامره که دومی گل زن برتر لیگ‏ امارات و رضا عنایتی که آقای گل چندین ساله‏ی لیگ کشورمان است. شاید تیم ملی ما تنها تیمی باشد که از یک سر مربی استفاده می‏کند که‏ پس از پنج سال حضور در کشورمان،علی رغم داشتن عنوان پروفسور هنوز کامی از شیرینی زبان ما نگرفته و هنوز حسّ شکر بودن فارسی را درک نکرده و قادر نیست حتا یک کلمه به زبان مملکتی که او را با صدها هزار دلار استخدام کرده و شماری از بهترین امکانات و جوانان این مرز و بوم رادر اختیارش گذشته است،صحبت کند و البته شایعه‏یی وجود دارد که می‏گوید:او قادر است به فارسی صحبت کند،ولی عمدا از این‏ کار طفره می‏رود که در این باره باید گفت که اگر این‏گونه باشد،پس باید تاسف خورد که این جناب برانکو،حتا اگر زبان ما را خوب فراگرفته باشد ولی با اخلاق و آداب ایرانیان،کاملا بیگانه است.شاید کم‏تر تیمی در دنیا می‏توان یافت که این همه علاقمند و عاشق داشته باشد و این قدر در موردش جفا می‏شود.پسران آریایی در آلمان همراهان و مشوقین زیادی‏ ندارند.زیرا سهمیه‏های حضور تماشاچیان سر به ارقام چند میلیونی و خارج از عرف بگذارد تا همه‏ی عاشقان مجبور باشند یا چشم به آن‏ صفحه‏ی جادویی تلویزیون و یا گوش به جعبه‏ی سحرآمیز رادیو بدهند و پیش کسوتان به آلمان اعزام شوند و اجایشان را از ما بهتران بگیرند.

به‏هرحال سال 1385 فر می‏رسد،سالی که به‏طور حتم آبستن‏ حوادث بی‏شمار است که ورزش هم به عنوان یک یدپدیده‏ی مهم و خبرساز نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بودو مهم‏ترین واقعه‏ی ورزشی این‏ سال جام جهانی فوتبال در سرزمین ژرمن‏هاست.ازاین‏رو امیدواریم در تمامی ابعاد سرزمین و مردم کشو محبوبمان قرین رحمت و پاداش الهی‏ شود و در زمینه‏ی ورزش هم آرزو داریم علی رغم کاستی‏ها و بی‏برنامگی‏ها و عدم استفاده از بهترین‏های این مرز و بوم،تیم ملی‏ کشورمان که چشم‏چراغ و امید و دل‏خوشی میلیون‏ها زن و مرد،پیر و جوان ایم مرز و بوم است،در آلمان بدرخشد و این آرزوی همه‏ی ماست‏ که مکانی در آفتاب برای پسران آریایی ما در کنار رود راین و سرزمین‏ گوته،کسی که حافظ رامرشد و استاد خود می‏دانست،پدید آید.

و در آخر با این شعر خواجه سخن را به پایان بریم که می‏فرماید:

ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار ببر اندوه دل و مژده‏ی دلدار بیار نکته‏ی روح‏فزا از دهن دوست بگو نامه‏ی خوش خبر از عالم اسرار بیار